



لینک کوتاه: <https://wp.me/paiHc5-sB>

## مقدمه

این مقاله به سؤالات زیر می‌پردازد: کامپیوترها، لپتاپ‌ها و تلفن‌های همراه از کجا آمده‌اند و چه کسانی آن‌ها را تولید می‌کنند؟ برای پاسخ دادن به این سؤالات به صورت نمونه‌وار موارد ویژه مورد بررسی قرار می‌گیرند: استخراج منابع طبیعی در معادن آفریقا در شرایط کاری انجام می‌گیرد که کارگران را تقریباً تا حد بردگان تنزل داده است؛ شرایط تولید و اتحاد صنایع اطلاعاتی و ارتباطی در چین (Foxconn)؛ صنایع نرم‌افزار در هند؛ کار در مراکز تلفن (Call Center)؛ تولید نرم‌افزار در سیلیکون‌ولی و در پایان کار دیجیتالی کاربران و کاربران تولیدکننده مورد بررسی قرار می‌گیرد. داده‌ها و پژوهش‌های تجربی که به این موضوعات پرداخته‌اند به شکل منظم و نظری مورد تحلیل و تفسیر قرار می‌گیرند. بررسی‌های نظری بر پایه‌ی اقتصاد سیاسی مارکسیستی انجام می‌گیرد. مفهوم "زنجیره‌ی جهانی ارزش‌آفرینی" با استفاده از تحلیل مارکسی و از منظر دیدگاهی پیچیده و چندبُعدی در بوته‌ی نقد قرار می‌گیرد. این کار فراملی‌ست و بسیاری از اشکال تولید، مناسبات تولید و اشکال سازمان‌یابی (بر بستر نیروهای مولده) را در بر می‌گیرد. در بخش کار دیجیتالی تقسیم کار جهانی پیچیده‌ای وجود دارد. این تقسیم کار بسیاری از انواع نیروهای مولده،

اشکال استثمار، شیوه‌های تولید را به نسبت‌های مختلف در چارچوب سیستم مسلط تولید سرمایه‌داری در پیوند و مفصل‌بندی با یکدیگر قرار می‌دهد.

### مارکس و انگلس و شیوه‌ی تولید

دیدگاه من در چارچوب سنت مارکسیستی است که در بررسی جهانی‌سازی بر اهمیت تضادهای طبقاتی تاکید می‌کند. در همین رابطه می‌توان مفهوم شیوه‌ی تولید را با مفهوم تقسیم کار جدید جهانی [NIDL] ترکیب کرد. ایده‌ی مناسبات تولید بر ارتباط دیالکتیکی بین اشکال سازمان‌یابی سرمایه، کار و فناوری (نیروهای مولده) تاکید دارد.

مارکس در فصل "اشکال مقدم بر تولید سرمایه‌داری" در گروندریسه (MEW 42: 383-421) و همچنین در فصل "فویرباخ: تضاد بین دیدگاه ماتریالیستی و ایده‌آلیستی" (MEW 3: 17-77) در ایدئولوژی آلمانی در مورد شیوه‌های تولید زیر بحث می‌کند:

1. جامعه‌ی قبیله‌ای بر پایه‌ی خانواده‌ی پدرسالار

2. اشکال باستانی مالکیت اجتماعی در شهرها (روم، یونان)

3. تولید فئودالی در روستا

4. سرمایه‌داری

شیوه‌های تولید چه‌گونه با یکدیگر پیوند دارند؟ در مقابل این پرسش دو جواب وجود دارد: شیوه‌های تولید از یکسو چون از لحاظ تاریخی جایگزین یکدیگر می‌شوند با یکدیگر پیوند دارند. یا پیوند آن‌ها به شکل تاریخی - منطقی است، یعنی یک صورت‌بندی اجتماعی ویژه صورت‌بندی قدیمی‌تر را ملغی می‌کند، اما شیوه‌های تولید آن را در خود جذب می‌کند. به نظر بناجی استالینیسیم و مارکسیسم عامیانه انگاشتی از شیوه‌های تولید را تدوین کرده‌اند، که معتقد است هر شیوه‌ی تولید ویژه صرفاً بر شکل تاریخی ویژه‌ای از کار و اخذ ارزش اضافی استوار است. شیوه‌های تولید قدیمی حذف می‌شوند و بدین ترتیب تاریخ به شکل [تک]خطی به‌جلو حرکت می‌کند: برده‌داری - فئودالیسم - سرمایه‌داری - کمونیسم. بر همین

اساس آلتوسر و بالیبار (1970) استدلال می‌کردند که تکامل تاریخی جامعه نه به نحو دیالکتیکی، بلکه از طریق گذار از یک "شیوه‌ی تولید به شیوه‌ی دیگری از تولید" انجام می‌گیرد. (آلتوسر و بالیبار 307 : 1970). به عبارت دیگر یک شیوه‌ی تولید بدنبال شیوه‌ی دیگری از تولید می‌آید. به همین دلیل E.P. Thompson رویکرد آلتوسر را "نظریه‌پردازی استالینیسیم می‌داند (131 : 1978)". "صورت‌باوری متافیزیکی و دگم‌اندیش" استالینیسیتی در نگرش نظری تئوری لیبرال نیز دیده می‌شود که تحول تاریخی - تکاملی از جوامع کشاورزی آغاز می‌شود و تا جامعه‌ی صنعتی و جامعه‌ی اطلاعاتی ادامه می‌یابد. و از این فرض حرکت می‌کند که هر مرحله از تکامل جامعه فاز تکامل قبلی را از بین می‌برد (بل 1974، توفلر 1980). به نظر بناجی سرمایه‌داری مناسبات فئودالی یا شبه‌فئودالی را تشدید کرده است. در بخش‌هایی از داخل و خارج از اروپا فئودالیسم فقط به مثابه‌ی "بنگاه تولید کالا" (بناجی 88 : 2011) تحول یافته است. برعکس سرمایه‌داری در جهان اسلام بدون برده‌داری و فئودالیسم تکامل پیدا کرد (بناجی 2011 : 6).

بناجی برخلاف تفاسیر صورت‌گرا خوانشی چند بُعدی از نظریه‌ی مارکس ارائه می‌کند که در آن یک شیوه‌ی تولید "قادر است اشکال بسیار قدیمی‌تر را تحت سلطه‌ی خود درآورد" (بناجی 2011 : 1). او در ادامه‌ی مطلب بر این نکته تأکید می‌کند که "در بسیاری از شیوه‌های تولیدی متفاوت می‌توان اشکال مشابهی استفاده از کار را مشاهده کرد" (بناجی 6 : 2011). به عبارت دیگر سرمایه‌داری "با استفاده از اشکال گوناگون استثمار عمل می‌کند" (بناجی 2011 : 145) و شکل مرکبی است از تکامل "اشکال متفاوت استثمار و راه‌های سازمان‌یابی تولید ارزش اضافی" را با یکدیگر ترکیب می‌کند. (بناجی 2011 : 359).

یک شیوه‌ی تولید [مجموعه‌ی] واحدی از نیروهای مولده و مناسبات تولیدی است. (MEW 3: 25) شیوه‌های تولید بر طبقات استوارند که خود مبنای مناسبات تولیدی است، بدین ترتیب تضادهای ویژه‌ای شکل می‌گیرند که منجر به فراتر رفتن از یک شیوه‌ی تولید و شکل‌گیری شیوه‌ی تولید جدیدی می‌شوند. شکل‌گیری شیوه‌ی تولید جدید الزاماً به معنای الغاء شیوه‌ی تولید قدیمی نیست، بلکه شیوه‌ی تولید جدید بیش از پیش شیوه‌ی تولید قدیمی را نفی می‌کند. این بدین معناست که تاریخ برای مارکس فرایندی دیالکتیکی است. این درک مبتنی بر تعریف هگل از مفهوم "Aufhebung" است که سه معنی

دارد ("Negare"): پشت سر گذاشتن، ("conservare"): حفظ، نگهداری و ("elevare"): فراتر رفتن است. وقتی سلطه‌ی شیوه‌ی تولید قدیمی از بین می‌رود، شکل و نحوه‌ی تولید گذشته به‌سادگی ناپدید نمی‌شود، بلکه در چارچوب شیوه‌ی تولید جدید به شکل و رابطه‌ی نوینی با آن به حیات خود ادامه می‌دهد. به همین دلیل عروج سرمایه‌داری منجر به محور پدرسالاری نشد. پدرسالاری در شکل دیگری به حیات خود ادامه داد و اقتصاد خانگی ویژه‌ای را بوجود آورد که بازتولید جدید نیروی کار را امکان‌پذیر کرد. امحاء [شیوه‌ی تولید] می‌تواند تأثیرات بزرگ و کوچک داشته باشد. گذار از سرمایه‌داری به کمونیسم مستلزم غلبه‌ی بنیادین بر سرمایه‌داری است. مساله این است که آیا این امر بلافاصله امکان‌پذیر است. فراتر رفتن و حفظ روابط گذشته می‌تواند در ابعاد متفاوتی متحقق شود. نفی روابط قدیمی فرایندی تک‌خطی نیست. همواره امکان دارد مناسباتی مشابه الگوهای قبلی سازمان‌یابی ایجاد شود.

سرمایه‌داری در سطح مناسبات تولیدی عمل می‌کند. در اینجا در یک طرف صاحبان سرمایه و در طرف دیگر کارگران و بیکارانی قرار دارند که مزدشان پرداخت شده یا پرداخت نشده است. در سطح نیروهای مولده تکاملی صورت گرفته است که منجر به جابجایی نیروهای مولده صنعتی با نیروهای مولده صنایع اطلاعاتی شده است. نیروهای مولده صنایع اطلاعاتی از نیروهای مولده دیگر فراتر رفته، اما هنوز آن‌ها را کاملاً پشت سر نگذاشته است (آدورنو 1997/1968، فوکس 2013). تولید محصولات صنایع اطلاعاتی مانند محصولات صنعتی و کشاورزی به کار بدنی بسیار زیادی نیاز دارد. شکل‌گیری سرمایه‌داری اطلاعاتی تولید موجب غیرمادی و مجازی شدن نشده است. سرمایه‌داری اطلاعاتی بر تولید مادی (physisch) استوار است (هیوز 1999). در حالی‌که "صفت سرمایه‌داری" شیوه‌ی تولید را تعریف می‌کند، مفاهیمی نظیر "جوامع کشاورزی - صنعتی و اطلاعاتی" شکل سازمان‌یابی نیروهای مولده را می‌کند (آدورنو 1997/1968، فوکس 2013).

به نظر من دیدگاه مارکسیستی در مورد شیوه‌ی تولید مبانی مفهوم کارآمدی برای بررسی کار دیجیتالی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های زنجیره‌ی جهانی ارزش‌آفرینی ارائه می‌کند. مایکل پورتر (1985) زنجیر ارزش‌آفرینی را به مثابه‌ی "مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی که برای طرح‌ریزی، تولید، بازاریابی و عرضه به بازار انجام می‌گیرند، تعریف می‌کند

(پورتر 36: 1985). اصطلاح "زنجیره‌ی ارزش آفرینی" به مقوله‌ای رایج برای سازمان‌یابی سرمایه تبدیل شده است. این امر در این واقعه نیز مشهود است که در 21 مه . 2013 در 11.682 مقاله‌ای که در بانک اطلاعات علمی Business Source Premier بایگانی بودند، این مقوله را در جمع‌بندی‌های خود بکار برده بودند این مقوله همواره در اقتصاد رسانه‌ای برای بررسی مسائل ارتباط جمعی سنتی و فناوری اطلاعاتی - ارتباطی بکار گرفته می‌شود. (مراجعه شود به سیلواستون و همکاران 2000: 126 - 135). یکی از مشکلات استفاده‌ی متداول عمومی از مبانی زنجیره ارزش آفرینی تمرکز بیش از حد روی مرحله‌ی تولید کالایی و تمایل به نادیده‌گرفتن شرایط کار و مناسبات طبقاتی است. جالب توجه است که دانشمندان انتقادی نیز از نظریه‌ی زنجیره‌ی جهانی ارزش آفرینی استفاده کرده‌اند (به‌طور مثال: هیوز 2008، هیوز، دالمن 2010).

در دهه‌ی 1980 دانشمندان انتقادی ایده‌ی تقسیم کار جدید جهانی را معرفی کردند: (NIAT) تجدید سازماندهی فراملی تولید تحت شرایط تقسیم کار جدید جهانی به این معناست که ادامه‌ی حیات یک مؤسسه به میزان بسیار زیادی صرفاً از طریق برون‌سپاری محل تولید به مناطقی با نیروی کار ارزان‌تر و با انضباط‌تر امکان‌پذیرست" (فرول/ هاینریش/ کرایه 1977: f.31).

یک تحول دیگر این است که "تولید کالاها همواره بیش از پیش به ساخت قطعاتی تقسیم شده و در سراسر جهان به ارزان‌ترین ترکیب سرمایه و نیروی کار سپرده می‌شود (فرول 31 : 1977). دانشمندان در علوم رسانه‌ای و فرهنگی انتقادی مفهوم تقسیم کار جدید جهانی را به کار بردند تا به وجود تقسیم جهانی کار فرهنگی اشاره کنند (میلر 2004). مزیت مبانی تقسیم کار جهانی جدید به مناسبات طبقاتی بین کار و سرمایه اولویت می‌بخشد. از نقطه‌نظر تقسیم کار جهانی جدید سرمایه تلاش می‌کند سودش را با کاهش مخارج دستمزد از طریق پراکندن جهانی فرایندهای تولید افزایش دهد. این مبانی همچنین مبارزات کارگری بر علیه تأثیرات منفی بازسازی سرمایه‌داری را مدنظر قرار می‌دهد.

مارکس و انگلس (ایدئولوژی آلمان MEW3) تقسیم کار را به‌مثابه‌ی یک مفهوم کلی جداگانه ارزیابی نکردند، بلکه آن را به‌عنوان جزئی از شیوه‌ی تولید در نظر گرفتند. آن‌ها به‌ویژه بر تقسیم کار بین مرد و زن در خانوار، بین شهروندان و

برندگان، شهر و روستا، شاخه‌های اقتصادی، کار در صنعت و تجارت، کار فکری و بدنی و بین و مرکز و مستعمرات به‌عنوان سرچشمه‌ی مواد اولیه تاکید داشتند. تقسیم کار جدید جهانی فرایندهای کار را به‌نحوی سازمان‌دهی می‌کند که قطعات مجزای ویژه از هر کالا در مناطق ویژه‌ای از اقتصاد جهانی تولید شوند، قطعات مجزا به‌یکدیگر وصل شوند تا از آن‌ها مجموعه‌ای واحدی ساخته شود و به‌عنوان کالا به‌فروش برسد. مفهوم تقسیم کار جهانی جدید بر روابط اجتماعی اشکال مختلف کار که در این فرایند تولید در عرصه‌ی جهانی ضروری هستند تاکید می‌کند.

در بخش‌های بعدی [2] اشکال متعدد استثمار در چارچوب تولید جهانی رسانه‌های دیجیتال بررسی می‌شوند. این اشکال استثمار در عرصه‌ی جهانی در ارتباط با شیوه‌های تولید و سازمان‌دهی نیروهای مولده مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### کارگران برده شده‌ی معادن و تقسیم کار جهانی جدید

کشورهای آفریقایی (جمهوری دموکراتیک کنگو (DRK) اتیوپی، موزامبیک، رواندا، آفریقای جنوبی، زامبیا و زیمبابوه) بزرگترین تولیدکنندگان فلزات مورد نیاز برای ساخت کالاهای صنایع اطلاعاتی و ارتباطی هستند.

با این وجود آن‌ها در لیست زمین‌شناسی ایالات متحده 2012 به‌عنوان کشورهای مهم واردکننده دیده می‌شوند.

(Pöyhönen/Simola 2007; Steinweg/de Haan 2007; United States Geological Survey 2012) این

موضوع نشان می‌دهد که ساخت و استفاده از فراورده‌های صنایع اطلاعاتی و ارتباطی متکی بر تقسیم کاری است که

آفریقا را به یکی از مهم‌ترین و نسبتاً ارزان‌ترین سرچشمه‌ی منابع طبیعی تبدیل کرده است (ارزان به‌دلیل درجه‌ی بسیار

بالای استثمار نیروی‌های کار). این منابع در کشورهای غیرآفریقایی به‌ویژه در چین بازپرورش می‌شوند. آفریقا در

چارچوب تقسیم کار جدید جهانی (NIAT) مستعمره‌ی اقتصادی است که شدت ویژه‌ای استثمار می‌شود. این جایگاه

استعماری به استثمار و برده‌سازی کارگران آفریقایی برمی‌گردد. مارکس استدلال می‌کرد که مستعمرات شکلی از انباشت

اولیه به‌شمار می‌آیند. (MEW 23: 779) موجودیت کنونی مستعمره‌ها نشان می‌دهد که انباشت اولیه فرایندی ادامه‌دار

است که سرمایه‌داری از آن برای دستیابی به کار و منابع استفاده می‌کند تا بتواند هزینه‌های سرمایه‌گذاری را کاهش

دهد و استثمار را تشدید کند. فلزات موردنیاز برای محصولات صنایع اطلاعاتی - ارتباطی عمدتاً در آفریقا و چین استخراج می‌شوند که ذوب، پالایش و غنی‌سازی آن‌ها معمولاً در کشورهای آسیایی نظیر تایلند، مالزی، چین و اندونزی انجام می‌شود. کارخانه‌های این کشورها معمولاً وسایل برقی بازارها را تأمین می‌کنند. (Pöyhönen/Simola 2007: 37)

در سال 2011 تقریباً 53 درصد کبالت، 2.3 درصد قلع و 10 درصد تانتال جهان در جمهوری دموکراتیک کنگو تولید شده‌اند. (Eichstaedt 2011: 140; United States Geological Survey 2012) تقاضای کنسرن‌های کشورهای غربی برای فلزات ارزان نیروی محرکه‌ی مهم برای خشونت، برده‌داری و استثمار در شرق ج.د.ک. است. کنگو از سال‌های 1990 درگیر جنگ‌هایی است که باعث کشته‌شدن انسان‌های بسیاری شده است. مردم در این کشور با توجه به تجارب ناشی از فقر و خشونت مجبور شده‌اند که برای ادامه‌ی حیات به هر کاری که ضروری به‌نظر می‌رسد دست بزنند. این موضوع عامل اصلی به وجود آمدن اشکال جدید برده‌داری است. استخراج قلع و سنگ معدن کولتان (که از پالایش آن فلز تانتال بدست می‌آید)، و همچنین ولفرام و طلای مورد نیاز صنایع اطلاعاتی - ارتباطی علت گسترش بخش معادن در کنگو است. این فلزات به‌عنوان مواد خام برای تولید تلفن‌های همراه، لپ‌تاپ‌ها، لامپ‌ها و خودروها مورد استفاده قرار می‌گیرند یا به کار می‌روند. (Leslie u.a. 2011) بسیاری از معادن در کنگو یا توسط گروه‌های مسلح نزدیک به رژیم (نظیر [FARDC] der Forces Armées de la République Démocratique du Congo یا ارتش شورشیان کنترل می‌شوند. برای "گزارش برده‌ها را آزاد کنید 2011) پژوهش‌های تجربی انجام شد، از جمله با 742 نفر از کارگران معادن Masisi و Bisie, Omate, Walikale مصاحبه شد. این پژوهش نشان داد که برده‌داری به شکل گسترده‌ای در صنعت معدن وجود دارد و نه فقط در بخش استخراج بلکه همچنین در بخش طبقه‌بندی، حمل و نقل و فروش. برده‌داری همچنین در حوزه‌ی اشتغال، عرضه‌ی خدمات به کارگران معادن نظیر خدمت‌کار خانگی، کارکنان در میخانه‌ها و کارگران جنسی نیز موجود است. 40 درصد از پاسخ‌دهندگان از معدن Bisie (Leslie u.a. 2011) می‌آیند که 80 درصد سنگ معدن قلع را تأمین می‌کند. (Eichstaedt 2011: 121) کارگران در این معادن تحت شرایطی که برای بردگان معمول است کار می‌کنند. این وضعیت نشان می‌دهد که نیروهای مولده‌ی سرمایه‌داری اطلاعاتی که رسانه‌های دیجیتال را

به‌وجود آورده‌اند با نیروهای مولده‌ای که از برده‌داری پشتیبانی می‌کنند رابطه‌ی تنگاتنگی دارند، تا هزینه‌های کار را کاهش دهند و سود را به حداکثر برسانند. دانش‌مندان نمونه‌های کار اجباری را ثبت کرده‌اند، بر مبنای این اسناد نیروهای فارد نزدیک به رژیم ساکنان روستاها را مجبور به کار بی‌مزد در معادن Bisie می‌کنند. کسانی که به‌فکر فرار بوده‌اند تهدید به مرگ شده‌اند. همچنین سیستمی به‌نام "Salongo" ثبت شده است. در این سیستم تمام کارگران معدن در یک روز معین در هفته برای افسران فارد کار می‌کنند. (Leslie u.a. 2011: 13) مارکس این سیستم را بی‌گاری می‌نامد. (MEW 202-204, 169, 184185, 43: زمان کار انجام شده برای این افسران را می‌توان به‌عنوان کار اضافی یا زمان کار لازم برای بازتولید قلمداد کرد. سیستم دیگری در شرق ج.د.ک. وجود دارد که بر مبنای آن کارگران معادن برای این‌که بتوانند در معادن کار کنند بایستی به کنترل‌چی‌ها و رژیم هر هفته اجاره بپردازد. (Nest 2011: 43) کارگران قلع استخراج می‌کنند و برای این‌که کارشان را شروع کنند، همچنین برای این‌که اجازه‌ی خروج از معادن را داشته باشند (برای این‌که بتوانند فلزات استخراج شده را بفروشند) باید به کارفرمایان مسلح‌شان حقوق ورود پرداخت کنند. میزان این حقوق ورود آن‌قدر زیاد است که کارگران هرگز نمی‌توانند از زیر چنین مناسبات کاری ویژه فرار کنند. خلاصه این‌که آن‌ها زندانی و از این جهت برده محسوب می‌شوند (Poulsen/Tornbjerg 2011). بدین ترتیب در صنعت معادن ج.د.ک. شکل باستانی برده‌داری و همچنین شکل فئودالی اجاره و بی‌گاری وجود دارد. کارگر در رابطه‌ی کارمزدی از دو وجه آزاد است، یعنی "آزاد" است که نیروی کارش را بفروشد، اما همچنین از مالکیت بر وسائل تولید و محصول کار نیز "آزاد" است. او نیروی کارش را به‌عنوان کالا برای کل هفته می‌فروشد. برده در جامعه‌ی برده‌داری باستانی آزاد نیست و برای کل هفته‌ی کاری در مالکیت برده‌داران قرار دارد. کارگر در سیستم بی‌گاری بخشی از هفته برده و برای باقیمانده‌ی هفته برای انجام فعالیت‌های دیگر آزاد است تا وسائل معاش خود را تأمین کند. پژوهش "برده‌ها را آزاد کنید" نشان می‌دهد که شمار بسیار زیادی از مصاحبه‌شوندگان به خاطر بدهی خود به بندگی درآمده‌اند. این امر از تبعات اعتبار با بهره‌ی بسیار زیاد است. بدهکاران برای پرداخت این وام‌ها بایستی در معادن کار کنند. این سیستم چنان مزورانه تنظیم شده است که "پرداخت بدهی غیرممکن است" (Leslie u.a. 2011: 14) سرواژ نیز در این کشور وجود دارد. این شکل از برده‌داری نتیجه‌ی این است که افراد تحت عنوان اتهامات بسیار واهی و بی‌اهمیت بازداشت می‌شوند و به‌عنوان مجازات باید در معادن کار کنند.



89 درصد از 31 نفر کودکی که مورد پرسش قرار گرفتند تحت شرایط همسان با بردهگان زندگی و کار می‌کنند. 75 درصد کارگران معادن در ج.د.ک با مزدشان قادر به تأمین نیازمندی‌های اساسی زندگی‌شان نیستند. (Pöyhönen/Simola 2007: 29).

فاجعه‌ای که در ج.د.ک اتفاق می‌افتد این است که این کشور علیرغم وفور منابع طبیعی خونین‌ترین درگیری‌های سده‌ی 20 و 21 را تجربه کرده است. درگیری‌های متأخر ارتباط مستقیم با صنعت اطلاعاتی - ارتباطی کشورهای غربی دارند. ج.د.ک بر اساس داده‌های آماری سال 2011 فقیرترین کشور جهان با درجه‌ی بسیار بالایی از نابرابری اجتماعی است (ضریب جینی 44،4 درصد). 59،2 درصد مردم این کشور در فقر مفرط زندگی می‌کنند. عمر متوسط 45 سال است. (United Nations Development Programme 2011) جنگ و استثمار نئوامپریالیستی نیروی کار و منابع طبیعی به زیان مردم بومی موقعیت تناقض‌باری را به‌وجود آورده‌اند که برای سرمایه‌داری جهانی نمونه‌وار است. این کشور 45 درصد کل ذخیره‌ی کبالت، 25 درصد منابع موجود الماس جهان (United States Geological Survey 2012) را در اختیار دارد و طبق یک تخمین 7 - 8 درصد (Nest 2011: 18-20) و طبق برآورد دیگر (Gootnick 2008) 64 درصد ذخایر کلتان جهان را نیز در اختیار دارد. با این وجود جمهوری دموکراتیک کنگو یکی از فقیرترین کشورهای جهان است.

#### فاکس‌کون: مونتاژ نهایی محصولات فناوری اطلاعاتی - ارتباطی در چین

«هون‌های پریسایژن» که به فاکس‌کون شهرت دارد، شرکت تایوانی است که در رده‌بندی بزرگ‌ترین شرکت‌های جهان در سال 2012 مقام 156 را به‌خود اختصاص داد. (Forbes 2012) فاکس‌کون بنا به ادعای (CNN Global 2012) پنجمین کارفرمای بزرگ جهان است. فاکس‌کان در سال 2011 شمار شاغلین چینی‌اش را به میزان یک میلیون نفر افزایش داد که عمدتاً دربرگیرنده‌ی کارگران مهاجر جوان از روستاها بودند (Students & Scholars Against Corporate Misbehaviour [SACOM] 2011a, 2011b). فاکس‌کان ایپد، ایمک، ایفون، کتاب الکترونیکی و بسیاری از

گنژول‌های شرکت‌های سونی، نینتندو و مایکروسافت را مونتاژ می‌کند. مشتریان فاکس‌کان کنسرن‌های غربی نظیر اپل،

دل، هاپه، موتورال، نوکیا، سونی و سونی اریکسون هستند. (SACOM 2010: 4)

17 کارگر فاکس‌کون بین ژانویه تا اگوست 2010 خودکشی کردند. سازمان دانش‌جویان و دانشگاهیان علیه بدرفتاری (SACOM 2010) Students and Scholars against Corporate Misbehaviour پژوهش‌هایی را انجام داد که در چارچوب آن با 100 کارگر فاکس‌کون در شنزن و هانگژو مصاحبه شد و کار آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. درآمد پایه‌ی یک کارگر فاکس‌کون در ژوئیه‌ی 2011، 1.200 یوان چینی که یا رمین‌بی است. طبق محاسبات سازمان فوق‌الذکر حداقل دستمزد لازم برای زندگی در شنزن 2,293 یوان چینی است. کارخانه‌ی شنزن با بیش از 420.000 کارگر بزرگترین مؤسسه‌ی تولیدی است. اضافه‌کاری کارگران فاکس‌کون در سال 2008 بالغ بر 120 ساعت در ماه بود. (SACOM 2010: 7) تیان لو دختر 17 ساله‌ای که از خودکشی جان سالم بدر برده بود گزارش داد که او مجبور بوده که در فاکس‌کان در لونگ‌هووا از ساعت 7 صبح تا 7 شب کار کند (SACOM). (Qiu 2010) سازمان نام‌برده از تغییر مداوم شیفت کار، ساعات کار بیش از ده ساعت در روز، فقدان استراحت، کار یکنواخت، صدمات جسمی به‌دلیل استفاده از بنزن و خمیر لحیم‌کاری، فقدان تجهیزات ایمنی، کار اجباری برای دانش‌آموزان حرفه‌ای تحت عنوان کارآموز روی خطوط نقاله (با اجازه‌ی اداره‌ی نظارت بر مدارس) و اقامت‌گاه‌هایی شبیه زندان با گنجایش 6 تا 22 کارگر در هر اطاق گزارش می‌دهد (SACOM 2011a: 18) کارگران در این اطاق‌ها به‌نحوی تقسیم شده‌اند که یک‌دیگر را نمی‌شناسند. اتحادیه‌ها توسط مقامات رسمی مؤسسات رهبری می‌شوند که شاغلین هیچ‌گونه اعتمادی به آن‌ها ندارند. در سال 2011 همین سازمان برای بررسی تغییر شرایط کار یک سال پس از خودکشی‌ها در فاکس‌کان با 120 کارگر در شنزن، شنگدو و شونگ‌دینگ مصاحبه کرد. شرایط کار بسیار بدی که در بررسی قبلی صریحاً بر روی آن تاکید شده بود، تغییر نکرده بود. همچنین مصاحبه با 60 کارگر در ژنگژو در سال 2012 نتایج مشابه‌ای را نشان می‌دهد. (SACOM 2012). سازمان مذکور از روش‌های خشونت‌بار مدیران به همراه با فقدان وقت استراحت، ممنوعیت خروج از کارخانه و صحبت‌کردن با یک‌دیگر در محل کار و همچنین تنبیه، کتک‌زدن و آزار کارگران توسط نیروهای حفاظتی گزارش

می‌دهد. (2012) "Fair Labor Association" "انجمن کار عادلانه" طی یک نظرخواهی از 35.166 نفر از شاغلین فاکس‌کان در شنگ‌دو، گوان‌لان و لونگ‌هوا اعلام کرد که بیش از 64 درصد شرکت‌کنندگان دست‌مزد خود را برای تأمین وسایل معاش‌شان کافی نمی‌دانند. از کارگران پرسیده شد، که سه مورد از دشواری‌های نام ببرند که در صورت امکان خواهان تغییر آن هستند. در صدر اولویت‌های مطرح شده توسط کارگران تغییر دست‌مزدها و پس از آن پاداش، اضافه دست‌مزد، کیفیت غذا و ساعات کار قرار داشت. فقط 1،22 درصد شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی اعلام کرده بودند که عضو اتحادیه‌ها هستند.

تقریباً 72 درصد شرکت‌کنندگان در این همه‌پرسی کارگران مهاجر بودند. بنا بر آمارهای رسمی در سال 2011 بیش از 252,78 میلیون کارگر مهاجر در چین وجود داشت با یک افزایش 4,4 درصدی نسبت به سال 2010 (National Bureau of Statistics in China 2012) فقر در روستاها علت اصلی ساکنان جوان روستاها به شهرها است) مراجعه شود به (6) و (4) Kapital 2009: Qui; Kapital 2011: Hong آنچه که برای دهقانان چینی اتفاق افتاده دقیقاً همان مطلبی است که مارکس در (MEW 22: Kapital 24) تحت عنوان فرایند انباشت بدوی توضیح داده است. این فرایند در اروپا در سده‌های 15 و 16 شروع شد. به‌نظر مارکس انباشت بدوی "با راندن قهری دهقانان از زمینی که آنان نیز مانند خودشان همان حق فئودالی را به آن داشتند، و با غصب زمین‌های مشترک، پرولتاریای به‌مراتب بزرگتری را آفرید" (سرمایه، جلد یکم ترجمه‌ی حسن مرتضوی، ص. 770).

گزارش سازمان دانش‌جویان و دانشگاهیان علیه بدرفتاری در سال 2010 به این جمع‌بندی رسیده است: "فاکس‌کان برای به حداکثر رساندن بارآوری، کارگران را به‌جایی رسانده که مثل ماشین کار کنند. (SACOM 2010) مارکس روش‌هایی را که از طریق آن سرمایه‌داران سعی می‌کنند روز کاری را به‌نحوی سازمان‌دهی کنند تا بتوانند حداکثر سود را به‌دست بیاورند، تشریح کرده است. برای مارکس ارزش اضافی مطلق (MEW 23: Dritte Abschnitt, Fünfter Abschnitt) وجه مشخصه‌ی تابعیت صوری کار از سرمایه است یعنی کارگران بایستی ساعات بیشتری مجانی کار کنند چرا که ساعات کار در روز افزایش پیدا می‌کنند. ارزش اضافی نسبی وجه مشخصه‌ی تابعیت واقعی کار از سرمایه

است. (MEW 23: Vierter Abschnitt, Fünfter Abschnitt) در این جا زمان کار یکسان می ماند، اما کار مولدتر و سریع تر می شود تا بتوان از این طریق ارزش اضافی بیشتری را تولید کرد.

گزارشات تحلیلی کاملاً با صراحت کامل نشان می دهند که فاکس کان در کارخانه هایش روش هایی را برای تولید ارزش اضافی مطلق برای افزایش سود به کار می گیرد. در این کارخانه ها اضافه کاری مجانی است و به ندرت وقت استراحت وجود دارد، کار در روز بالغ بر 12 ساعت و کار در هفته بالغ بر 6 روز بدون روزهای آزاد اضافی است. دست مزد معینی پرداخت می شود، اما استراتژی مدیریت اخذ میزان حداکثر ممکن ساعات کار از کارگران است. اما همچنین این گزارش نشان می دهد که تولید ارزش اضافی مطلق به نحو معینی، اگر چه تا درجهی بسیار کمی با تولید ارزش اضافی نسبی ترکیب شده است. سیستم نظامی که از طریق آن کارگران کنترل می شوند از فشار و تنبیه استفاده می کند. هدف این کنترل ها و تنبیهات فرمان برداری کارگران برای نه فقط کار طولانی بدون استراحت، بلکه همچنین انجام کار با شدت بسیار زیاد است. کارگران بایستی در هر ساعت بیشترین حدممکن قطعات را تولید کنند. فاکس کان برای صنایع اطلاعاتی - ارتباطی چین نمونه وار است و همان طور که یو هونگ (2011) استدلال نمود سرمایه گذاری مستقیم خارجی و نحوه ی رشد این صنعت در خارج قشر جدیدی از کارگران را به وجود آورده است. این قشر از کارگران در مناطق حاشیه ای متمرکز است، بخش اعظم آن ها را دهقانان تشکیل می دهند، از آموزش متوسطی برخوردار هستند و دست مزد بسیار ناچیزی دریافت و به صورت غیرقانونی کار می کنند. زنان بخش عمده ای این قشر از کارگران را تشکیل می دهند (Hong 2011: 113). "بزرگترین طبقه ی کارگر استثمار شده ی دوران اطلاعاتی جهانی" را در اختیار دارد (Castells, 2011).

in: Qiu 2009: X).

[1] ترجمه از Christian Fuchs, Theorising and analysing digital labour: From global value chains to modes of production, in: The Political Economy of Communication 1 (2) 2013: 3-27. (<http://www.polecom.org/index.php/polecom/article/view/19>). این مقاله به میزان بسیاری کمی خلاصه

شده است. ترجمه از انگلیسی. (Sebastian Chwala und Alan Ruben van Keeken):

[2] این بخش به موارد زیر می‌پردازد: کارگران برده‌شده‌ی معادن در آفریقا، مونتاژ نهایی محصولات فناوری اطلاعاتی - ارتباطی IUK در چین Fox conn (بخش اول). در بخش دوم: کار در صنایع نرم‌افزار در هند؛ کار در مراکز تماس (Call-Center)؛ تکامل نرم‌افزار در گوگل؛ کار دیجیتال و کاربر حرفه‌ای آنلاین

ادبیات

Adorno, T. W. (1968/1997): Spätkapitalismus oder Industriegesellschaft? In: ders., Ges. Schriften Bd. 8, Frankfurt/M., S. 354-370

Althusser, L. und Balibar, E. (1970): Reading Capital (Brewster B, Trans). London. (Erstveröffentlichung 1968)

Banaji, J. (2011): Theory as history: Essays on modes of production and exploitation. Chicago

Bell, D. (1974): The coming of post-industrial society. London

CNN Global 500 (2012): Top companies: Biggest employers. CNNMoney, July 23.  
<http://money.cnn.com/magazines/fortune/global500/2012/performers/companies/biggest/>

Eichstaedt, P. (2011): Consuming the Congo: War and conflict minerals in the world's deadliest place. Chicago, IL

Forbes (2012): Global 2000: The world's biggest companies 2012.  
<http://www.forbes.com/global2000/list/>

Fröbel, F./Heinrichs, J./Kreye, O. (1977): Die neue internationale Arbeitsteilung: strukturelle Arbeitslosigkeit in den Industrieländern und die Industrialisierung der Entwicklungsländer, Reinbek

Fuchs, C. (2013): Capitalism or information society? The fundamental question of the present structure of society. *European Journal of Social Theory* 16(4): 413–434

Gootnick, D. (2008): The Democratic Republic of the Congo: Major challenges impeded efforts to achieve US policy objectives; systematic assessment of progress is needed. Report: United States Government Accountability Office, Washington, DC.  
<http://www.gao.gov/new.items/d08562t.pdf>

Hong, Y. (2011): Labor, class formation, and China's informationized policy and economic development. Lanham, MD

Huws, U. (1999): Material world: The myth of the weightless economy. *Socialist Register* 35: 29–55

Huws, U. (2008): Break or weld? Trade union responses to global value chain restructuring. *Work Organisation, Labour and Globalisation* 2(1): 1–10

Huws, U. und Dahlmann, S. (2010): Global restructuring of value chains and class issues. In: Pupo NJ and Thomas MP (Eds) *Interrogating the new economy: Restructuring work in the 21st century*. Toronto, Canada, pp. 65–91

Leslie, Z./Sarich, J./Strauss, K. (2011): The Congo report: Slavery in conflict minerals. Report: Free the Slaves, Washington, DC

Marx, K. und Engels, F. (1956-1990): Marx-Engels Werke (MEW). Berlin

Miller, T./Govil, N./McMurria, J./Maxwell, R./Wang, T. (2004): Global Hollywood No. 2. London: British Film Institute

National Bureau of Statistics of China (2012): Statistical communiqué of the People's Republic of China on the 2011 national economic and social development. Report: Bureau of Statistics, Beijing, People's Republic of China.  
[http://www.stats.gov.cn/english./NewsEvents/201202/t20120222\\_26575.html](http://www.stats.gov.cn/english./NewsEvents/201202/t20120222_26575.html)

Nest, M. (2011): Coltan. Cambridge

Porter, M. (1985): Competitive advantage: Creating and sustaining superior performance. New York

Pöyhönen, P. und Simola, E. (2007): Connecting components, dividing communities: Tin production for consumer electronics in the DR Congo and Indonesia. Report: FinnWatch, Helsinki, Finland. <http://germanwatch.org/corp/it-tin.pdf>

Pöyhönen, P./Bjurling, K. A./Cuvelier, J. (2010): Voices from the inside: Local views on mining reform in Eastern DR Congo. Report: FinnWatch, Helsinki, Finland.  
[http://somo.nl/publications-en/Publication\\_3586/at\\_download/fullfile](http://somo.nl/publications-en/Publication_3586/at_download/fullfile)

Qiu, J. L. (2009): Working-class network society: Communication technology and the information have-less in urban China. Cambridge, MA

Qiu, J. L. (2010): Deconstructing Foxconn. [Documentary film]. <http://vimeo.com/17558439>

Silverstone, R./Zerdick, A./Picot, A./Schrape, K. (2000): E-economics: Strategies for the digital marketplace. Berlin

Steinweg, T. und de Haan, E. (2007): Capacitating electronics: The corrosive effects of platinum and palladium mining on labour rights and communities. Report: SOMO Centre for Research on Multinational Corporations, Amsterdam, The Netherlands. [http://somo.nl/publications-nl/Publication\\_2545-nl/at\\_download/fullfile](http://somo.nl/publications-nl/Publication_2545-nl/at_download/fullfile)

Students & Scholars Against Corporate Misbehaviour (SACOM) (2010): Workers as machines: Military management in Foxconn. Report: SACOM. [http://sacom.hk/wpcontent/uploads/2010/11/report-on-foxconn-workers-as-machines\\_sacom.pdf](http://sacom.hk/wpcontent/uploads/2010/11/report-on-foxconn-workers-as-machines_sacom.pdf)

Students & Scholars Against Corporate Misbehaviour (SACOM) (2011a): Foxconn and Apple fail to fulfill promises: Predicaments of workers after suicides. Report: SACOM. [http://sacom.hk/wp-content/uploads/2011/05/2011-05-06\\_foxconn-and-apple-failto-fulfill-promises1.pdf](http://sacom.hk/wp-content/uploads/2011/05/2011-05-06_foxconn-and-apple-failto-fulfill-promises1.pdf)



Students & Scholars Against Corporate Misbehaviour (SACOM) (2011b): iSlave behind the iPhone: Foxconn workers in Central China. Report: SACOM.  
<http://sacom.hk/wpcontent/uploads/2011/09/20110924-islave-behind-the-iphone.pdf>

Students & Scholars Against Corporate Misbehaviour (SACOM) (2012): New iPhone, old abuses: Have working conditions at Foxconn in China improved? Report: SACOM.  
<http://www.scribd.com/doc/106445655>

Thompson, E. P. (1978): The poverty of theory and other essays. New York

Toffler, A. (1980): The third wave. New York

Poulsen, F. und Tornbjerg, O. (2011): Blood in the mobile. [Documentary film]. Berlin: good!movies

United Nations Development Programme (2011): Human Development Report 2011: Sustainability and equity: A better future for all. New York

United States Geological Survey (2012): Commodity statistics and information.  
<http://minerals.usgs.gov/minerals/pubs/commodity>

